

کتاب دانیال - شماره چہیتہر

پیشگویوں کا مہر کھلنا: 1856 میں نور کا رد قبول اور اُس کے نتائج

Jeff Pippenger

2024-02-09

در سال ۱۸۵۶ نور «ہفت زمان» گشودہ شد و تا سال ۱۸۶۳ آن نور رد گردید۔ نبی یھودا آن نور را نزد پادشاہ شریہ، یربعام، آورد و یربعام نور را رد کرد۔ اشعیا همان نور را نزد پادشاہ شریہ، آحاز، آورد و او نیز آن را رد کرد۔ بہ سبب امتناع از نوری کہ با برکہ شیلوح مرتبط بود، پادشاہی ہای ہر دو، یعنی یربعام (شمالی) و آحاز (جنوبی)، بہ ترتیب در سال ہای ۷۲۳ ق.م. و ۶۷۷ ق.م. بہ دست پادشاہی از شمال بہ اسارت بردہ شدند۔

موسیٰ، پارون کی بغاوت میں؛ یسعیاہ، احز کے ساتھ؛ اور یرمیاہ، دیگر بادشاہوں کے ساتھ، میلراثٹ تاریخ کے ان وفاداروں کی نمائندگی کرتے تھے جو سب کے سب آخری ایام کی بغاوت میں نور کے قاصدوں کی نمائندگی کر رہے تھے۔ 1863 کا آخری ایام کا "پہلا" بحران، اور مکاشفہ باب گیارہ کے "بڑے زلزلہ" کا آخری ایام کا "آخری" بحران (یعنی عنقریب آنے والا سنڈے لا)، ان تمام نبوی خطوط میں ممثل ہے۔ یھوداہ کا نبی اُس نبی کی نمائندگی کرتا ہے جو اپنی ذمہ داری سے پرگشتہ ہو گیا، اور آخرکار مرتد پروٹسٹنٹ ازم کے ساتھ اُسی قبر میں دفن ہو جاتا ہے۔ اُس کی موت اور اُس کی تدفین اِس بات کے جواب میں تھیں کہ اُس نے بیت ایل کے جھوٹے نبی کی خوراک کھانے اور پینے کو اختیار کیا۔

قضاوت مغلوب شدن بہ دست پاپیت (پادشاہ آشور) در ہنگام قانون یکشنبہ، کہ بہ واسطہ پراکندہ شدن پادشاہی ہای شمالی و جنوبی یربعام و آحاز بہ صورت نمادین پیش تصویر شدہ بود، با سرنوشت نبی یھودایی مطابقت دارد، زیرا او میان یک «شیر» و یک «الغ» جان سپرد۔ «شیر» نماد بابل است کہ در ایام آخر، پاپیت می باشد۔

و چنین واقع شد کہ پس از آنکہ نان خوردہ بود و نوشیدہ بود، برای او الغ را زین کرد، یعنی برای آن نبی کہ او را بازگردانیدہ بود۔ و چون روانہ شد، شیری در راہ بہ او برخورد و او را کشت؛ و جسدش در راہ افکندہ شد، و الغ در کنار آن ایستادہ بود، و شیر نیز در کنار جسد ایستادہ بود۔ و اینک مردمانی از آنجا می گذشتند و جسد را دیدند کہ در راہ افکندہ شدہ بود و شیر را کہ در کنار جسد ایستادہ بود؛ و آمدند و در شہری کہ آن نبی پیر در آن ساکن بود، خبر دادند۔ و چون آن نبی کہ او را از راہ بازگردانیدہ بود این را شنید، گفت: این همان مرد خداست کہ از کلام خداوند نافرمانی کرد؛ از این رو خداوند او را بہ شیر سپردہ است تا او را بدرَد و بکشد، برحسب کلام خداوند کہ بہ او گفتہ بود۔ سپس بہ پسران خود گفت: الغ را برای من زین کنید۔ و آنان زین کردند۔ و او رفت و جسدش را یافت کہ در راہ افکندہ شدہ بود، و الغ و شیر در کنار جسد ایستادہ بودند؛ شیر نہ جسد را خوردہ بود و نہ الغ را دریدہ بود۔ و آن نبی، جسد مرد خدا را برداشت و آن را بر الغ نهاد و بازگردانید؛ و آن نبی پیر بہ شہر آمد تا بر او سوگواری کند و او را بہ خاک بسپارد۔ و جسد او را در قبر خود نهاد؛ و بر او نوحہ کردند و گفتند: آہ، ای برادر من! و چنین واقع شد کہ پس از آنکہ او را بہ خاک سپرد، بہ پسران خود گفت: چون من بمیرم، مرا در مقبرہ ای کہ مرد خدا در آن دفن شدہ است دفن کنید؛ استخوان ہای مرا در کنار استخوان ہای او بگذارید؛ زیرا آن سخنی کہ او بہ کلام خداوند بر ضد مذبحی کہ در بیت ئیل است، و بر ضد ہمہ خانہ ہای مکان ہای بلند کہ در شہر ہای سامرہ هستند، ندا داد، بی گمان بہ وقوع خواہد پیوست۔ اول پادشاہان 13:11-32۔

پیامبر یھودا در میان دو نماد جان سپرد۔ شیر نماد بابل است، و بابل جدید در ایام آخر همان پادشاہ شمال است کہ در دانیال باب یازدہ، آیہ چہل و پنج، بہ پایان خود می رسد و یآوری برای او نخواہد بود۔

نشان اقتدار او پرستش خورشید است، که مکروه چهارم می‌باشد، و همان‌جاست که نسل چهارم ادونتیسیم لائودیکیه‌ای در حزقیال باب هشت در حال سجده به سوی خورشید به تصویر کشیده شده است. در رؤیای میلر به او نشان داده شد که نه فقط جواهرات پراکنده و پوشانده شدند، بلکه خود صندوقچه نیز، که نمایانگر کتاب مقدس بود، از هم دریده شد.

در نسل سوم ادونتیسیم، کار معرفی به کارگیری ترجمه‌های به اصطلاح مدرن کتاب مقدس از سوی رهبری ادونتیسیم ترویج شد. آن ترجمه‌های به اصطلاح مدرن از مجموعه‌ای فاسد از نسخه‌های خطی برگرفته شده بودند که از سوی الهی‌دانان مرد گناه و پروتستانتیسیم مرتد ترویج می‌شوند. تابوت میلر نسخه کینگ جیمز بود که از نسخه‌های خطی غیرمحرّف ترجمه شده بود.

تا نسل چهارم ادونتیسیم لائودیکیه‌ای، کلیسا به شورای جهانی کلیساها، یعنی ائتلافی از کلیسای روم و دخترانش، پیوسته بود. ادونتیسیم سال‌ها، برای آرامش گله خفته خود، استدلال می‌کرد که آنان در شورای جهانی کلیساها صرفاً «ناظر» هستند، تا آن‌که آیین‌نامه‌های آن ائتلاف شریر آشکار ساخت که جایگاه «ناظر» در واقع نمایانگر عضوی کامل با حق رأی است!

در نسل چهارم خود، آنان دو بار به «مرد گناه» مدال طلا اعطا کردند. دست‌کم یکی از آن مدال‌ها با فهم کاتولیکی از آمدن ثانوی مسیح نقش شده بود؛ عیسی را در بازگشتش در حالی به تصویر می‌کشید که پای خود را بر زمین می‌نهد، و هاله خورشیدی کاتولیکی در پشت سر مسیح در آن دیده می‌شد، و نیز اختصار کاتولیکی فرمان چهارم را دربر داشت که به سادگی می‌گفت: «سبت را به یاد آور.» در یک دادرسی قضایی (که یک اظهار رسمی حقوقی است)، رئیس کنفرانس عمومی شهادتی ارائه کرد که در آن تصریح نمود کلیسای ادونتیسیت روز هفتم زمانی بر این باور بود که دستگاه پاپی دجال است، اما کلیسای او مدت‌ها پیش آن اعتقاد را «به زباله‌دان تاریخ» سپرده است.

La cuarta abominación (generación) es aquella en la que los veinticinco dirigentes de la iglesia de Jerusalén se postran ante el sol. Las abominaciones progresivas comenzaron con la imagen de los celos que fue colocada a la entrada, marcando el comienzo. El profeta de Judá termina sepultado con el protestantismo apóstata, y el león (Babilonia) lo mata, porque volvió a la metodología del protestantismo apóstata y, por lo tanto, no puede reconocer que es Roma la que establece la visión; y donde no hay visión establecida por el símbolo del hombre de pecado, finalmente se termina del lado del hombre de pecado

«آنان که در فهم کلام دچار سردرگمی می‌شوند و از درک معنای ضد مسیح باز می‌مانند، بی‌تردید خود را در صف ضد مسیح قرار خواهند داد.» Kress Collection, 105.

پیامبر یهودا با پیامبر دروغین بیت‌ئیل، که او را «برادر» خود خوانده بود، دفن شد، و او مرده در میان دو نماد یافت شد. «شیر» نمایانگر ناکامی او در درک ضد مسیح بود، و «الاغ» نماد اسلام است. ادونتیسیم لائودیکیه‌وار پیشاپیش از طریق سکوت خود درباره ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نشان داده است که تشخیص نمی‌دهد موضوع اسلام در وای سوم، همان پیام فریاد نیمه‌شب و باران آخر است. ناتوانی در شناخت پیام باران آخر، مرگ است! باران آخر در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، هنگامی که فرشته نیرومند مکاشفه هجده فرود آمد، آنگاه که بناهای عظیم شهر نیویورک فرو ریخته شدند. «باران» یک پیام است، و برای دریافت آن، آن پیام باید شناخته شود.

«ما نباید در انتظار باران آخر بمانیم. این باران بر همه کسانی خواهد آمد که شب‌نم و باران‌های فیضی را که بر ما فرو می‌ریزد، تشخیص دهند و آن را از آن خود سازند. هنگامی که پاره‌های نور

را گرد آوریم، هنگامی که رحمت‌های یقینی خدا را، که دوست دارد ما به او اعتماد کنیم، ارج نهمیم، آنگاه هر وعده‌ای به انجام خواهد رسید. [اشعیا ۶۱:۱۱ نقل شده است.] تمامی زمین باید از جلال خدا پر شود.» تفسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، ص. ۹۸۴.

«تمام زمین» می‌داند که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چه رخ داد، اما برای آن‌که پیامی که از آنجا آغاز می‌شود و در نهایت تمام زمین را با جلال خدا منور می‌سازد، دریافت گردد، باید آن پیام شناخته شود. واژه «بازشناختن» به این معناست: «به یاد آوردن یا بازیافتن معرفت چیزی یا کسی، خواه با اقرار به آن معرفت و خواه بدون آن. ما شخصی را از فاصله‌ای دور بازمی‌شناسیم، هنگامی که به یاد می‌آوریم که پیش‌تر او را دیده‌ایم، یا سابقاً او را می‌شناخته‌ایم. ما سیمای او یا صدای او را بازمی‌شناسیم.» فرهنگ وبستر، ۱۸۲۸.

یگانه راهی که یک آدونتیست لائودیکیه‌ای بتواند پیام باران آخر را که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رسید، تشخیص دهد، این است که تشخیص دهد همان ظهور قدرت الهی را در گذشته نیز دیده است. در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، آن فرشته مقتدر مکاشفه ده نازل شد، آنگاه که نبوت وای دوم اسلام به انجام رسید. آن تاریخ به‌طور کامل تکرار شد هنگامی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آن فرشته مقتدر مکاشفه هجده نازل شد، آنگاه که نبوت وای سوم اسلام به انجام رسید؛ و نشناختن اسلام وای سوم، یعنی به‌وسیله‌ی الاغ وحشی عربی به سوی مرگی برده شدن که شیر بابل مدرن آن را پدید می‌آورد.

مستانه افرایم، که نمی‌تواند کتاب مَهرشده را بخواند، قادر نیستند تکرار تاریخ میلریتی را ببینند، زیرا این شناسایی بر روش‌شناسی باران آخر، یعنی «حکم بر حکم»، استوار است. این مفهوم که ظهور قدرت خدا در تاریخ میلریتی در ایام آخر تکرار می‌شود، به‌وسیله‌ی روش‌شناسی پروتستان‌تیسیم مرتد و کاتولیسیسم قابل اثبات نیست.

«آن فرشته‌ای که در اعلام پیام فرشته سوم با او متحد می‌شود، باید تمامی زمین را با جلال خود منور سازد. در اینجا از کاری با دامنه‌ای جهانی و قدرتی بی‌سابقه خبر داده شده است. جنبش ادونتی سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ جلوه‌ای باشکوه از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته اول به هر ایستگاه بشارتی در جهان رسانده شد، و در برخی کشورها عظیم‌ترین علاقه دینی پدید آمد که از زمان اصلاحات قرن شانزدهم تاکنون در هیچ سرزمینی مشاهده نشده بود؛ اما اینها نیز در برابر آن جنبش نیرومندی که تحت آخرین هشدار فرشته سوم پدید خواهد آمد، فروتر خواهند بود.» The Great Controversy, 611

رهبران کور اسرائیل معاصر، به سبب روش‌شناسی خویش ناگزیرند این حقیقت را رد کنند که در ایام آخر، تجدید ظهوری از قدرت خدا واقع خواهد شد، همان‌گونه که در سال‌های پیشین بود.

«در اینجا می‌بینیم که کلیسا—مقدس خداوند—نخستین جایی بود که ضربه غضب خدا را احساس کرد. مشایخ سالخورده، همانانی که خدا به ایشان نور عظیم عطا کرده بود و به‌عنوان پاسداران مصالح روحانی قوم ایستاده بودند، به امانت خویش خیانت ورزیده بودند. آنان این موضع را اختیار کرده بودند که نیازی نیست همچون روزگاران گذشته در انتظار معجزات و ظهور آشکار قدرت خدا باشیم. زمانه دگرگون شده است. این سخنان بی‌ایمانی ایشان را استحکام می‌بخشد، و می‌گویند: خداوند نه نیکی خواهد کرد و نه بدی. او بیش از آن رحیم است که قوم خود را به داوری مجازات کند. بدین‌سان «سلامتی و ایمنی» فریاد مردانی است که دیگر هرگز آواز خود را همچون کرنا برنخواهند افراشت تا تعدیات قوم خدا و گناهان خاندان یعقوب را به ایشان بنمایانند. این سگان گنگ که پارس نمی‌کردند، همانانی هستند که انتقام عادلانه خدای به‌خشم‌آمده را احساس می‌کنند. مردان، دوشیزگان، و کودکان خردسال، همه با هم هلاک می‌شوند.» شهادت‌ها، جلد ۵، ۳۱۱.

نابینایی لائودیکیه‌ای عالمان حاکم بر ناآموختگان اورشلیم، آنان را از شناخت باران آخر بازمی‌دارد؛ زیرا نه تنها از روشی فاسد در تفسیر کتاب مقدس بهره می‌گیرند، بلکه نتایجی که استدلال باطل ایشان پدید می‌آورد، ایشان را در موضعی قرار می‌دهد که هر ظهور آینده قدرت خدا را، چنان که در اعصار پیشین بوده است، انکار خواهند کرد. با این همه، ملاکی یاب سه تصریح می‌کند که هنگامی که رسول عهد، پسران لاوی را طهارت بخشید، آنگاه هدیه همچون ایام قدیم خواهد بود.

«شاهد امین اعلام می‌دارد: "اعمال تو را می‌دانم." "توبه کن و اعمال نخستین را به‌جا آور." این آزمون حقیقی است، آن دلیل و گواهی که روح خدا در دل در کار است تا تو را از محبت او سرشار سازد. "به‌زودی نزد تو خواهم آمد و چراغدانان را از جای خود برخوایم داشت، اگر توبه نکنی." کلیسا مانند آن درخت بی‌ثمر است که با دریافت شبنم و باران و آفتاب، می‌بایست فراوانی میوه به بار می‌آورد، اما جست‌وجوی الهی بر آن چیزی جز برگ نمی‌یابد. چه اندیشه‌ای مهیب برای کلیساهای ما! و چه اندیشه‌ای، به‌راستی، برای هر فرد! شگفت‌انگیز است صبر و حلم خدا؛ اما "اگر توبه نکنی"، این نیز به پایان خواهد رسید؛ کلیساهای و مؤسسات ما از ضعفی به ضعفی دیگر، و از صورت‌گرایی سرد به مردگی خواهند رفت، در حالی که می‌گویند: "دولتمند و ثروت اندوخته‌ام و به هیچ چیز محتاج نیستم." شاهد امین می‌گوید: "و نمی‌دانی که تو شوربخت و مفلوک و فقیر و کور و عریانی." آیا هرگز وضعیت خود را به‌روشنی خواهند دید؟»

«در کلیساهای باید ظهوری شگفت‌انگیز از قدرت خدا باشد، اما این بر کسانی اثر نخواهد کرد که خود را در حضور خداوند فروتن نساخته‌اند و در دل را با اعتراف و توبه نگشوده‌اند. در تجلی آن قدرتی که زمین را از جلال خدا روشن می‌سازد، آنان فقط چیزی را خواهند دید که در نابینایی خود آن را خطرناک می‌پندارند، چیزی که ترس‌هایشان را برخواهد انگیزد، و خود را برای مقاومت در برابر آن آماده خواهند کرد. چون خداوند مطابق تصورات و انتظارات ایشان عمل نمی‌کند، با این کار مخالفت خواهند ورزید. می‌گویند: «چرا ما نباید روح خدا را بشناسیم، وقتی که این همه سال در خدمت بوده‌ایم؟» — زیرا به هشدارها و استغاثه‌های پیام‌های خدا پاسخ ندادند، بلکه پیوسته گفتند: «دولتمند و بر توانگری خود افزوده‌ام و به هیچ چیز محتاج نیستم.» استعداد و تجربه طولانی، انسان‌ها را مجاری نور نخواهد ساخت، مگر آنکه خود را در زیر پرتوهای درخشان آفتاب عدالت قرار دهند و به‌وسیله عطای روح‌القدس خوانده شده و برگزیده و مهیا گردند. هنگامی که مردانی که با امور مقدس سر و کار دارند، خود را زیر دست توانای خدا فروتن سازند، خداوند ایشان را سرافراز خواهد ساخت. او آنان را مردانی بصیر خواهد ساخت — مردانی غنی از فیض روح او. صفات نیرومند و خودخواهانه منش آنان و سرسختی‌شان در نوری که از نور جهان می‌تابد دیده خواهد شد. «به‌زودی نزد تو خواهم آمد و چراغدانان را از جایش برخوایم داشت، اگر توبه نکنی.» اگر خداوند را با تمامی دل خود بطلبید، او از شما یافت خواهد شد. Review and

Herald, December 23, 1890

مرگ آن نبی یهودیه هم به‌وسیله «شیر» بابل جدید، که نماد نبوی‌ای است که رؤیای تاریخ نبوی را بنیان می‌نهد، و هم به‌وسیله «الاغ» به تصویر کشیده شده است. نخستین اشاره به اسلام در کتب مقدس آن‌گاه است که اسماعیل به‌عنوان «مردی وحشی» معرفی می‌شود.

و او مردی وحشی خواهد بود؛ دست او بر ضد هر انسان، و دست هر انسان بر ضد او خواهد بود؛ و او در حضور جمیع برادران خود ساکن خواهد شد. پیدایش 16:12.

قاعده نخستین ذکر در کتب مقدس بیان می‌دارد که همه ویژگی‌های آن نماد باید در همان‌جا مندرج باشد، زیرا کلام خدا بذر است، و بذر همه DNA لازم را برای به ثمر رساندن تمام گیاه در خود دارد. واژه‌ای که «مرد وحشی» ترجمه شده است، همان واژه «الاغ وحشی عربی» است. «الاغ» در کتب حق، یکی از نمادهای اسلام است.

پیام حزقیال در باب سی و هفتم، که استخوان‌های مرده را زنده می‌سازد، به گونه‌ای که بر پای می‌ایستند و به لشکری عظیم بدل می‌شوند، همان پیام اسلام وای سوم است، و آن پیام، پیام فریاد نیمه‌شب ایام آخر است. خواهر وایت به صراحت تعلیم می‌دهد که ورود ظفرمندان مسیح به اورشلیم، نمایانگر پیام فریاد نیمه‌شب بوده است.

«فریاد نیمه‌شب چندان به وسیله استدلال حمل نمی‌شد، هرچند برهان کتاب مقدسی آن روشن و قاطع بود. با آن، نیرویی محرک همراه بود که جان را به حرکت درمی‌آورد. هیچ شکی، هیچ پرسشی در میان نبود. در هنگام ورود ظفرمندان مسیح به اورشلیم، مردمی که از همه نواحی سرزمین برای نگاه داشتن عید گرد آمده بودند، به کوه زیتون سرازیر شدند، و چون به انبوه جمعیتی که عیسی را مشایعت می‌کردند پیوستند، الهام آن ساعت را دریافتند و به فزونی این ندا یاری رساندند: "مبارک است آن که به نام خداوند می‌آید!" [21:9] 21:9 به همین گونه، بی‌ایمانانی که به اجتماعات ادونت‌یست‌ها روی می‌آوردند—بعضی از روی کنج‌کاوی، و بعضی صرفاً برای تمسخر—نیروی اقناع‌کننده‌ای را که با این پیام همراه بود احساس می‌کردند: "اینک، داماد می‌آید!"» Spirit of Prophecy, volume 4, 250.

مکاشفه عیسی مسیح پیام نهایی‌ای است که در ایام آخر گشوده می‌شود، و اسلام وای سوم را در بر می‌گیرد. هنگامی که مسیح، که خود همان پیام گشوده شده است، وارد اورشلیم شد و بدین سان فریاد نیمه‌شب ایام آخر را به صورت نمادین مجسم ساخت، بر «الاهی» سوار بود (پیام او حمل می‌شد). پیام نهایی عدالت مسیح به وسیله اسلام حمل می‌شود.

اسلام بود، هست و خواهد بود یک مرد وحشی، چنان که به وسیله خر وحشی عربی نمادین شده است؛ و هر که بخواهد ببیند (و بسیاری هستند که نمی‌خواهند ببینند)، به آسانی می‌تواند «تشخیص دهد» که جنگی که اکنون از سوی اسلام به راه انداخته می‌شود، دیوانگی وحشیانه است. آمادگی برای خودکشی، با این باور که در آخرت پاداشی بزرگ جنسی در انتظار خواهد بود، دیوانگی شیطنی است. نخستین اشاره به اسلام نشان می‌داد که اسلام مردی وحشی خواهد بود.

جنگ اسلام تمام نوع انسان کو تیسرے افسوس کی بڑھتی ہوئی جنگ سے لڑنے کے لیے یکجا کر دیتی ہے۔ اسلام ایک عالمی حکومت کے نفاذ کے لیے نبوی منطق ہے، اور عالمیت پسند یہ تعلیم دیتے ہیں کہ انہوں نے دوسری عالمی جنگ کے بعد جان بوجھ کر یہودیوں کو دوبارہ سرزمین اسرائیل میں لا بسایا، تاکہ وہ یہودیوں کے خلاف اسلام کی قدیم عداوت کو استعمال کر کے تیسری عالمی جنگ کا آغاز کریں۔ عالمیت پسند اس بات پر ایمان رکھتے ہیں، اور دہائیوں سے یہ تعلیم دیتے آئے ہیں، کہ اپنی ایک عالمی حکومت قائم کرنے کے لیے انہیں ایک تیسری عالمی جنگ درکار ہوگی۔ عالمیت پسندوں کے فاسد محرکات، جیسا کہ ان کے اپنے الفاظ میں ظاہر ہوا ہے، اسلام کے بائبل کردار کے عین مطابق ہیں۔

شاید جدی ترین بخش از دیان‌ای نبوی اسماعیل، در آن آیه‌ای که نخستین بار از او یاد می‌شود، این حقیقت باشد که روح او، که روح «مردی وحشی» است، «در حضور همه برادران خود ساکن می‌شود.» این تصور که تنها برخی فرقه‌های اسلام افراطی در وای سوم دخیل خواهند بود، با کلام خدا سازگار نیست. دیدگاه رایج از نظر سیاسی درست‌نمایانه که در هر گرایش دینی فقط چند عنصر فاسد یافت می‌شود و اینکه اکثریت پیروان دین اسلام شهروندانی صلح‌دوست هستند، نه با کتاب مقدس خود آنان موافقت دارد و نه با کتاب مقدس.

قرآن تعلیم می‌دهد که وظیفه هر پیرو الله این است که تمام جهان را با شریعت منطبق سازد، و نخستین اشاره به اسلام در کتاب پیدایش نشان می‌دهد که روح «مردی وحشی» اسماعیل در هر پیرو اسلام خواهد بود. قرآن به صراحت به پیروان خود تعلیم می‌دهد که هنگامی که در مناطقی زندگی می‌کنند که هنوز توانایی تحمیل حاکمیت دینی خود را بر جمعیت ندارند، تظاهر به آراستگی و نزاکت

کنند، همان گونه که کاتولیسسیسم نیز چنین می کند.

نبی یهودا نے یربعام کا اُس وقت سامنا کیا جب اُس کی بادشاہی پہلی بار قائم کی گئی تھی۔ مرتد پروٹسٹنٹ ازم کا آغاز 1844 میں ہوا، اور فوراً ہی اُس کا سامنا میلیری ایڈونٹ ازم سے ہوا، جو اقدس الاقداس میں داخل ہو چکا تھا اور خدا کی شریعت دریافت کر چکا تھا، جس میں ساتویں دن کا سبت بھی شامل تھا۔ میلیری ایڈونٹ ازم سے، جیسا کہ یرمیاہ کے ذریعہ ظاہر کیا گیا ہے، کہا گیا کہ وہ خدا کی طرف لوٹ آئے، مگر کبھی بھی "ٹھٹھا کرنے والوں کی جماعت" کی طرف واپس نہ جائے۔ نبی یهودا کو حکم دیا گیا تھا کہ وہ اُسی راستے سے واپس نہ لوٹے جس سے آیا تھا، اور نہ بیت ایل کے جھوٹے نبی کا کھانا کھائے یا اُس کا پانی پیئے، لیکن اُس نے ایسا ہی کیا۔ نبی یهودا کی موت کو علامتی طور پر دو علامتوں کے درمیان رکھا گیا، جو پائیت اور اسلام کی نمائندگی کرتی تھیں۔ لاؤدیقیائی ایڈونٹ ازم ان دو سچائیوں کو نہیں دیکھ سکتا، کیونکہ 1863 میں اُس نے اپنی ہی روحانی آنکھیں نکال دیں، اور ان جوابرات اور اُس منہج کو ڈھانپنے کا عمل شروع کر دیا جسے ولیم ملر نے ایڈونٹ ازم کی بنیادیں قائم کرنے کے لیے استعمال کیا تھا، تاکہ اُن کی جگہ جعلی سکوں اور جوابرات، اور مرتد پروٹسٹنٹ ازم اور کیتھولک ازم کے منہج کو قائم کیا جائے۔

«مردِ جاروکن غبار» اکنون کفِ خانہٴ خود را جاروب می کند و جواهرات را بازمی یابد و آن ها را به میلر می سپارد تا بر میز خود بگذارد، اما ادونتیسیم به سبب این باور که ایشان قوم باقی مانده ای هستند که در سال 1844 به عنوان قوم او برانگیخته شدند، کور شده است.

و در دل خود مگویید: «ابراہیم پدر ماست»؛ زیرا به شما می گویم که خدا قادر است از این سنگ ها برای ابراهیم فرزندانِ برانگیزاند. و اکنون نیز تبر بر ریشہ درختان نهاده شده است؛ پس هر درختی که میوه نیکو نیاورد، بریده و در آتش افکنده می شود. من شما را به آب برای توبه تعمید می دهم؛ اما آن که پس از من می آید، از من توانا تر است، و من شایسته نیستم کفش های او را بردارم؛ او شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. او غربال خود را در دست دارد، و خرمنگاه خویش را به کلی پاک خواهد ساخت، و گندم خود را به انبار گرد خواهد آورد؛ اما کاه را به آتشی خاموشی ناپذیر خواهد سوزانید. متی ۹:۳-۱۲

آدونتیسیم لائودیکیه از دهان خداوند بیرون افکنده خواهد شد، مگر آن اشخاصی که شاید توبه کنند. آدونتیسیم لائودیکیه باید در همان قبری دفن شود که قوم عہد پیشین، که پیام میلر را رد کردند، در آن دفن شده اند؛ زیرا آنان نیز اکنون، در نسبت با صد و چهل و چهار هزار، قومی از عہد پیشین به شمار می آیند. شورش ۱۸۶۳ به وسیله آن نبی که از یهودا آمد به تصویر کشیده شده است؛ همان که همچنین پیشگویی ای درباره پادشاه یوشیا بر جای گذاشت.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«به جای آنکه مانند جهان شویم، باید هرچه بیشتر از جهان متمایز گردیم. شیطان با کلیساها متحد شده است و همچنان متحد خواهد شد تا در برابر حقیقت خدا تلاشی استادانه به کار برد. هر آنچه قوم خدا برای نفوذ به جهان انجام دهند، مخالفتی قاطع از سوی قوای ظلمت برخاسته و انگیخت. آخرین نبرد عظیم دشمن، نبردی بس سخت و قاطع خواهد بود. این، آخرین پیکار میان قوای ظلمت و قوای نور خواهد بود. هر فرزند حقیقی خدا با دلیری در جانب مسیح خواهد جنگید. آنان که در این بحران عظیم، خود را بیشتر در جانب جهان تا در جانب خدا قرار می دهند، سرانجام خود را به کلی در جانب جهان خواهند نهاد. آنان که در فهم کلام دچار سردرگمی می شوند و از دیدن معنای ضد مسیح بازمی مانند، بی گمان خود را در جانب ضد مسیح قرار خواهند داد. اکنون برای ما زمانی نیست که با جهان هم رنگ شویم. دانیال در نصیب خود و در جایگاه خود ایستاده است. نبوت های دانیال و یوحنا باید فهمیده شوند. اینها یکدیگر را تفسیر می کنند. آنها حقایقی را به جهان

می‌بخشند که هر کس باید آنها را درک کند. این نبوت‌ها باید در جهان شهادت باشند. با تحقق خود در این ایام آخر، خود خویشتن را تبیین خواهند کرد.»

«خداوند در شرف مجازات جهان به سبب بی‌عدالتی آن است. او در شرف مجازات هیئت‌های مذهبی به سبب رد کردن نوری و حقیقتی است که به ایشان داده شده است. آن پیام عظیم، که پیام‌های فرشته اول و دوم و سوم را در بر می‌گیرد، باید به جهان اعلام شود. این باید بار کار ما باشد. آنان که حقیقتاً به مسیح ایمان دارند، آشکارا خود را با شریعت یهوه منطبق خواهند ساخت. سبت نشانه میان خدا و قوم اوست، و ما باید با نگاه داشتن سبت، انطباق خود را با شریعت خدا آشکار سازیم. این باید علامت تمایز میان قوم برگزیده خدا و جهان باشد. وفادار بودن به خدا معنای بسیار دارد. این شامل اصلاح بهداشت نیز می‌شود. بدین معناست که خوراک ما باید ساده باشد و در همه چیز میانه‌رو باشیم. انواع فراوان خوراکی که اغلب بر سفره‌ها دیده می‌شود، نه ضروری است و نه تنها ضروری نیست، بلکه بسیار زیان‌آور است. ذهن و بدن باید در بهترین وضعیت سلامت حفظ شوند. تنها کسانی که در معرفت و ترس خدا تربیت یافته‌اند باید برای بر عهده گرفتن مسئولیت‌ها برگزیده شوند. کسانی که مدت‌ها در حقیقت بوده‌اند، اما هنوز نمی‌توانند میان اصول پاک عدالت و اصول شر تمییز دهند، و فهم ایشان نسبت به عدالت، رحمت، و محبت خدا تیره و مخدوش شده است، باید از مسئولیت معاف شوند.»

“خدا برای قوم خود درس‌های مهمی دارد تا بیاموزند. اگر این درس‌ها پیش از این آموخته شده بود، کار او امروز در وضعیتی که اکنون هست قرار نمی‌داشت. یک چیز باید انجام شود. حقیقت نباید از خادمان یا مردان صاحب مسئولیت پنهان داشته شود از بیم آنکه ناخشنودی آنان برانگیخته شود. با مؤسسات ما باید مردانی مرتبط باشند که با فروتنی و در حکمت، تمامی مشورت خدا را اعلام کنند. غضب خدا بر ضد کسانی افروخته شده است که در امنیت نفسانی و غرور، نسبت به تدبیر او اهانت ورزیده‌اند. آنان کامیابی کار را به خطر می‌اندازند.”

«هر راه باطل فریبی است، و اگر پایدار نگاه داشته شود، سرانجام به هلاکت خواهد انجامید. از این‌رو خداوند اجازه می‌دهد کسانی که نقشه‌های باطل را نگاه می‌دارند، نابود شوند. درست در همان زمانی که صدای ستایش و تملق شنیده می‌شود، هلاکت ناگهانی فرا می‌رسد. کسانی هستند که، با وجود آنکه از توبیخی که دیگران به سبب بی‌وفایی دریافت کرده‌اند آگاه‌اند، از پند روی می‌گردانند. اینان دوچندان گناهکارند. اراده خداوند را می‌دانستند و به آن عمل نکردند. مجازات ایشان متناسب با تقصیرشان خواهد بود. به کلام خداوند اعتنا نکردند.» Kress.